

یحیی تعمید دهنده کیست؟

یحیی نام یکی از انبیا و از نسل کاهنان و دارای لقب تعمید دهنده می‌باشد. پدر او زکریا نام داشت و در زمان هیرودیس پادشاه از کاهنان خانه خدا بود و مادر یحیی تعمید دهنده، الیصابات که از قبیله کاهنان یهود و از نسل هارون برادر موسی بود. الیصابات و زکریا درستکار و نزد خداوند گرامی بودند. الیصابات نازا و تا زمان پیری دارای فرزندی نبود. بر اثر دعای زکریا، فرشته‌ای بر وی ظاهر و وعده فرزندی را به آنها می‌دهد. الیصابات حامله شده و پسری به دنیا آورد، که نام او را یحیی گزاردند (لوقا باب ۱).

ماموریت یحیی تعمید دهنده بر اساس نبوت (متی ۳: ۳؛ اشعیا ۴۰: ۳؛ ملاکی ۳: ۱) می‌باشد. وی شش ماه قبل از عیسای مسیح دنیا آمد و پس از دنیا آمدن یحیی، تا سن سی سالگی دیگر هیچ گونه مطلبی در کتاب مقدس از وی دیده نمی‌شود. سپس در سن سی سالگی اولین اشاره کتاب مقدس به وی، در لوقا ۱: ۸۰ می‌باشد.

یحیی باز کننده راه مسیح بود. ما در کتاب اناجیل زندگی او را بطور کامل نمی‌توانیم مشاهده کنیم. یحیی در ناصره دنیا آمد و و تمام دوران جوانی خود را در کوههای یهودا که مابین اورشلیم و دریای مُرده قرار داشت، گذرانید (لوقا ۱: ۱۵؛ متی ۳: ۱-۱۲).

در مدت زمانی که وی در میان مردم زندگی می‌کرد، اکثر مردم (حدوداً یک چهارم) مجذوب سخنان و اعمال او می‌شدند. در مجموع اکثر سخنان وی در ضرورت توبه بود. او بر علیه صدوقیان و فریسیان موعظه کرده و آنان را افعی زاده می‌نامید و به آنان هشدار می‌داد که بصورت واقعی توبه کرده و فکر نکنند که به واسطه جدشان ابراهیم، دارای مزیتی نزد خداوند هستند (لوقا ۳: ۸).

شهرت یحیی به گوش عیسی در ناصره رسید و او از جلیل به رود اردن آمد که توسط یحیی، تعمید بگیرد (متی ۳: ۵)، و مسیح توسط یحیی تعمید گرفت تا تمامی عدالت را به کمال رساند (متی ۳: ۱۵). یحیی تمامی کارهای خود را متوقف کرد و عیسی را تعمید داد زیرا وقت آن بود که پادشاه به پادشاهی خود وارد شود. یحیی به شاگردان خود گفت: نگاه کنید، این است بره خداوند.

حدود شش ماه پس از آنکه یحیی در میان مردم به خدمت مشغول بود، بطور ناگهانی توسط هیرودیس دستگیر و در قلعه‌ای در شرق دریای مرده به زندان انداخته شد. یحیی تعمید دهنده هیرودیس را به خاطر ازدواج با زن برادر خود، هیرودیا مورد سرزنش قرار می‌داد. هیرودیا پس از جدا شدن از فیلیپس، به همسری هیرودیس درآمد. هیرودیا همسر هیرودیس از یحیی به خاطر گفتارش کینه به دل داشت و خواهان مرگ یحیی بود (متی ۱۴: ۳؛ مرقس ۶: ۱۷؛ لوقا ۳: ۱۹). در جشن تولد هیرودیس در ضیافت و بزمی که به این مناسبت برقرار شده بود، سالومه دختر هیرودیا با رقصش سبب شادی هیرودیس گردید و هیرودیس از سالومه خواست که هر چه می‌خواهد بگوید. سالومه بر اساس توصیه مادرش، سر یحیی تعمید دهنده را درخواست کرد. بنا به درخواست سالومه، هیرودیس، دستور قتل یحیی تعمید دهنده را داد. و سر یحیی را در سینی به سالومه داد (متی ۱۴: ۳-۱۱؛ مرقس ۶: ۱۶-۲۸؛ لوقا ۳: ۱۹).

شاگردان یحیی بدن بدون سر وی را به خاک سپردند و سپس رفته و به عیسی اطلاع دادند (متی ۱۴: ۱۲). مرگ یحیی حدود سه سال قبل از مصلوب شدن مسیح اتفاق افتاد. مسیح در مورد یحیی شهادت داد که او یک چراغ روشن و درخشنده بوده است (یوحنا ۵: ۳۴)

